

## وکالت تسخیری و معاضدت قضائی

چندی است این فکر مرا مشغول داشته که همه ساله پرونده‌های بیشتری در محاکم جنائی و جنحه مطرح میشود و برای غالب متهمین از طرف دادگاه‌ها وکیل مدافع تعیین میشود و کار هر وکیل هر ساله رو با افزایش است بنحویکه بیشتر کار یک وکیل دادگستری چه در مرکز و چه در شهرستانها دفاع در محاکم کیفری به‌عنوان وکالت تسخیری مجانی است و چون چنین وسیله استفاده بدون خرجی فراهم است متهمین هم که نوعاً قدرت مالی انتخاب وکیل دارند از موقعیت سوءاستفاده و از دادگاه‌ها تقاضای وکالت تسخیری دارند از طرف دیگر دادگاه‌ها هم به‌مجردی که متهمین ادعای عدم بضاعت میکنند برای آنها وکیل تعیین مینمایند چون حجم و مقدار کارهای جنائی و جزائی هم رو با افزایش است توجهی باصل موضوع نمیشود که با آنکه وکلاء دادگستری در مساعدت باشخاص مستمند نهایت علاقه را دارند ولی وقتی مقدار کار زیاد شد نمیتوانند از عهده برآیند و اوضاع و شرایط مادی و اقتصادی این زمان با گذشته فرق دارد و برای یک وکیل دادگستری مقدور نیست کسه قسمت زیادی از وقت خود را صرف کارهای وکالت مجانی کند و بتواند زندگی و معیشت خود را هم تأمین نماید در کشورهای دیگر که وکالت تسخیری از ابتکارات آنهاست چون شرایط اقتصادی و اوضاع مادی تغییر نموده درصد برآمده اند که باحفظ اصل موضوع کمک قضائی نسبت باشخاص محتاج مقرراتی بوجود آورند که انجام این وظیفه برای وکلاء - دادگستری هم مقدور باشد.

نویسنده این مقاله اهمیت موضوع و تأثیر آنرا در زندگی وکلاء دادگستری ضمن لایحه بهیئت مدیره کانون وکلاء تذکر دادم و از آن هیئت تقاضای توجه و اقدام نمودم و موضوع جزء دستور کارهای هیئت مدیره قرار گرفت جناب آقای وکیل رئیس هیئت مدیره کانون وکلاء هم نسبت بموضوع تحقیقاتی نموده و از دادگاه‌های جنائی صورت پرونده‌های سال ۱۳۴۲ را خواستند و بعد از رسیدگی معلوم نمودند که در سال مزبور فقط در محاکم جنائی تهران در بیش از دو هزار محاکمه وکلاء دادگستری شرکت نموده‌اند و البته دیوان کیفر کارمندان دولت و محاکم جنحه بحساب نیامده است.

سپس هیئت مدیره در نظر گرفت که جناب آقای دکتر باهری وزیر وقت دادگستری را برای شرکت در یکی از جلسات کانون دعوت نماید که مسئله وکالت تسخیری بامعزیه در میان گذاشته شود و راه حلی در نظر گرفته شود و مغری الیه در یکی از جلسات هیئت مدیره شرکت نمود و اشکالات وضع موجود بتفصیل مورد بحث قرار گرفت و تذکر داده شد مخصوصاً این مطالب روشن شد که علاوه از آنکه بهر وکیلی بیش از حد مقدور کار وکالت

تسخیری ارجاع میشود این نکته در نظر گرفته نمیشود که برای مطالعه هر پرونده حد اقل چند روز وقت لازم است و جریان رسیدگی پرونده‌ها هم طوری است که نوعاً از چند روز تا یک هفته و بعضی اوقات مدت بیشتری و تا یکماه ونیم وقت میگیرد و انجام این وظیفه و کلاء را از رسیدگی بکارهای دیگر وتأمین معیشت خود باز میدارد ضمن بحث ومذاکره پیشنهاداتی شد از جمله آنکه اگر فعلاً وبفوریت تغییر واصلاح قانون عملی نیست لااقل میزان کار ارجاعی محدود گردد که بهیچ وکیللی همانطور که در معاضدت قضائی مقرر است بیش از سه فقره کار در سال ارجاع نشود و یا آنکه دولت در بودجه خود مثل کشورهای آمریکا و انگلستان و عراق مبلغی همه ساله برای حق الزحمه و کلاء تسخیری در نظر بگیرد. و همینطور توصیه شد که بارؤساء محاکم مذاکره شود که نسبت بهر پرونده‌ای که ارجاع میکنند مبلغ ده هزار ریال حق الوکاله حداقل تعیین شود زیرا بیشتر اشخاصی که تقاضای وکالت تسخیری میکنند قدرت پرداخت این مقدار حق الوکاله را دارند.

چون موضوع هنوز خاتمه نیافته لازم دانستم که وسیله این مقاله هم آقایان و کلاء دادگستری از جریانی که واقع شده مطلع گردند هم آنکه آقایان مستشاران وقضات هم نسبت باصل موضوع توجه و از نظر پیدا کردن راه حلی کمک فکری فرمایند و در موقع تعیین وکیل تسخیری توجهی هم بوضع و کلاء دادگستری واشکالات این امر از نظر و کلاء داشته باشند چه اگر این رویه ادامه یابد ممکن است بتدریج و برخلاف میل و کلاء که همگی سعی دارند نهایت دقت و صرف وقت و ابراز علاقه را نسبت باسواررجاعی محاکم بنمایند در آینده نتوانند آنطور که مطابق میل وعقیده خودشان است بتوانند از عهده آن برآیند زیرا پرونده‌های متعدد و زیادی وقتی برای مطالعه باقی نخواهد گذارد و خواه ناخواه کیفیت فدای کمیت خواهد شد.

در همان ایامی که در هیئت مدیره کانون و کلاء موضوع مورد بحث بود مجله کانون و کلاء امریکا بدستم رسید در آن مقاله ای بود که نطق رئیس دیوان عالی کشور انگلستان را در کانون و کلاء دادگستری سان فرانسیسکو آمریکا را انتشار داده بود چون موضوع نطق ارتباط بمساعدت قضائی باشخاص محتاج در انگلستان داشت مقتضی دانستم ترجمه و در مجله کانون چاپ شود تا با توجه بانچه در سایر کشورها میگذرد موضوع لزوم اصلاح وضع فعلی در کشور ما هم بیشتر نمایان و محسوس شود این شد که از همکار محترم آقای رضا فیض مهدوی وکیل دادگستری و عضو هیئت مدیره کانون و کلاء تقاضا نمودم آن مقاله را ترجمه نمایند معزی الیه نیز تقاضای اینجانب را قبول و مقاله را ترجمه کردند که در شماره ۸۵ مجله کانون درج گردیده و الحق بخوبی از عهده ترجمه برآمده اند و این کمکی که در اینمورد نموده اند مورد تشکر و امتنان است.

وکالت تسخیری از نظر قوانین انگلستان نیز شامل معاضدت قضائی مذکور در قانون ماهم میشود و اشخاص محتاج در انگلستان از سال ۱۹۴۹ با اینطرف با شرایط مخصوصی از این مزیت استفاده میکنند که خلاصه آن ذیلا از نظر خوانندگان مجله میگذرد:

- ۱ - در هر حوزه‌ای کمیته‌ای مأمور رسیدگی بتقاضاهای مربوط بمعاضدت قضائی (اعم از کیفری و مدنی) است.
  - ۲ - کمیته مزبور بدقت امکان پیشرفت دعاوی مدنی را مطالعه و در مورد امور کیفری دقت میکند که استحقاق تقاضا کننده محرز باشد و امکان و وسیله پرداخت حق الوکاله بوکیل را نداشته باشد.
  - ۳ - درآمد و وضع زندگی و شغل تقاضا کننده مورد نظر واقع میشود و کمیته مباحثی را که تقاضا کننده میتواند حق الوکاله بپردازد تعیین میکند و او را مکلف بپرداخت آن میکند و نسبت بانچه را که پرداخت آن از عهده او خارج است او را از پرداخت حق الوکاله معاف میدارد.
  - ۴ - پس از صدور حکم مرحله ابتدائی در دعاوی مدنی نسبت بمرحله پژوهش مجددا رسیدگی میشود تا اگر امکان پیشرفت دعوی در مرحله پژوهش باشد تقاضا کننده بتواند از وکیل مجانی استفاده کند.
  - ۵ - در هر حوزه قضائی وکلائی که داوطلب قبول معاضدت قضائی (اعم از کیفری و مدنی) باشند باید خود را معرفی کنند و دادگاهها فقط از میان داوطلبان وکلاء را در مورد بیروندهای مختلف انتخاب میکنند و بنابراین اجباری نیست.
  - ۶ - برای داوطلب شدن عده‌ای از وکلاء بتعداد کافی خود را معرفی میکنند زیرا برای وکلاء هم نفع دارد و بکار مشغول و حق الوکاله میگیرند و از این جهت برای عده‌ای از وکلاء که کار کمتر دارند یا کار ندارند کار تهیه میشود.
  - ۷ - دولت در بودجه سالی سه میلیون لیره (متجاوز از ششصد میلیون ریال) برای معاضدت قضائی یعنی پرداخت حق الوکاله وکلائی که از طرف دادگاهها انتخاب میشوند منظور میدارد و دادگاهها با توجه بمقدار وقتی که از وکیل گرفته شده و با در نظر گرفتن عرف و معمول حق الوکاله برای وکیل حق الوکاله مناسبی تعیین میکنند. بنابراین هم مردم محتاج از معاضدت قضائی استفاده میکنند وهم آنکه وکلاء دادگستری با گرفتن حق الزحمه از متهمین دفاع میکنند و فرصت و دقت مطالعه و دفاع را دارند.
- این است طریقه متداول در انگلستان که توجه دارند بنحوی معاضدت قضائی عمل شود که مطابق انصاف و از روی واقع بینی باشد و در عین حال نتیجه مطلوب را هم که اساس فکر معاضدت قضائی است بدهد.

### در آمریکا :

نویسنده که به تعقیب این موضوع علاقمند هستم از قضا در حین خواندن یک شماره دیگر از مجله کانون وکلاء امریکا باز بموضوع معاضدت قضائی (اعم از کیفری و مدنی) برخورد کردم و در شماره ماه مه ۱۹۳۳ مقاله‌ای ملاحظه نمودم که نویسنده آن آقای سام ایردسن سناتور امریکائی است در صدر مقاله مزبور چنین نوشته شده :

«سناتور ایروین اصرار میورزد که حق استفاده از وکیل مدافع که در ماده ششم اصلاحی قانون اساسی ذکر است با وضع قانونی که محاکم فدرال و کلاه دادگستری را با تعیین حق الزحمه برای اشخاص محتاج انتخاب نمایند مستقر سازد»  
و این است ترجمه قسمت‌هایی از مقاله سناتور مزبور:

اگر بخواهیم دموکراسی خود را حفظ کنیم باید این حکم را در نظر داشت «عدالت نباید جیره بندی شود». این کلمات قاضی دانشمند متوفی (لرندهند) را بخاطر می‌آورد که عدالت رکن اساسی دموکراسی است) ما باید مراقبت کنیم رویه‌های عادلانه و مناسب با دموکراسی برقرار سازیم متأسفانه ملت ما نتوانسته است بقدر کافی طریق اجرای عدالت را تأمین نماید در واقع عدالت در این کشور جیره بندی میشود بعلمت آنکه کنگره نتوانسته است اعتباراتی را تخصیص دهد که با آن بتواند برای اشخاص محتاج وکیل مدافع در محاکم انتخاب نمود.

منابع در آمد اشخاص نباید تأخیری در جریان رسیدگی عدالت داشته باشد اگر برابری عادلانه در مقابل قانون فقط عبارت تو خالی نیست برای اشخاص محتاج هم باید مشاور و مدافع تهیه نمود یکی از اصول اساسی ملت ما این است که نظام اجتماع را قانون حفظ میکند نه زور و با این حال همه ساله هزارها نفر به محاکم فدرال کشیده میشوند بدون آنکه از مزایای وکیل مدافع که حق الزحمه بگیرد استفاده کنند قوای دولت که عبارت از مدعیان عمومی مجرب و قضات تحقیق و شهود و کارشناسان باشند در مقابل اشخاصی قرار میگیرند که وکیل مدافع تسخیری آنها باید وقت فارغ غیر مشغولی پیدا کنند که بتواند از آنها بدون دریافت پاداش دفاع نماید.

در سال ۱۹۴۶ کنگره دستور قانون اساسی را در مورد تعیین وکیل مدافع بر سنیت شناخت و در ماده ۴۴ آئین دادرسی کیفری فدرال موضوع را بدین نحو برقرار ساخت: اگر متهم بدون وکیل مدافع حضور یابد محکمه باید حق داشتن وکیل مدافع را اعلام کند و برای او وکیل تعیین کند که در هر مرحله از او دفاع کند مگر آنکه متهم خود از آن صرف نظر و یا خود بتواند وکیل مدافع انتخاب نماید.

بهر حال باستثناء قانونی که در ۱۹۶۰ در ایالت کلمبیا راجع بمعاضدت قضائی گذشت کنگره تا کنون اقدامی برای تعیین حق الزحمه و کلاهی که در دعاوی فدرال از اشخاص محتاج دفاع میکنند ننموده است و سیستم تعیین و کلاه مجانی بارسنگین بدوش جماعت و کالت گذاشته است. جماعت و کلاه با رویه تحسین آمیزی این وظیفه را انجام داده است ولی این سیستم هم برای متهمین و هم برای وکلاء دادگستری رضایت بخشی نیست.

سال‌ها قبل که من وکیل مدافع جوانی بودم برای شخص محتاجی در موضوع پرونده سهمی بوکالت تسخیری از طرف دادگاه معین شدم و دادگاه برای من دوازده دلار و نیم حق الزحمه معین کرد بعد از آنکه تقاضای استیناف کردم محتاج برونویسی از مدارک بودم و ناچار سیبایست هشتاد و چهار دلار هزینه آنرا پردازم یکی از روزنامه‌های محلی

مقاله‌ای نوشت مبنی بر اینکه متهم مقصر است و تقاضای استیناف و کیل مدافع بخاطر حق- الوکاله گزافی است که باو میرسد بعد از مدت کوتاهی بنمایندگی مجلس انتخاب شدم و اولین اقدام این بود که قانونی را بتصویب رساندم که متهمین محتاج از هزینه رونویسی مدارک معاف باشند.

حتی هنوز مقرراتی وجود ندارد که مخارجی را که وکیل از جیب خود میکند تأمین کند و بسیاری از وکلاء برای دفاع از متهمین از جیب خود مصارفی میکنند حتی در محاکم فدرال هم متهمین از وجود وکیل مدافع غیر مجانی نمیتوانند استفاده کنند.

غالب اوقات برای متهمین و کلاء جوان معین میشوند که یا تجربه کافی ندارند یا تمایلی برای موضوعات دعوی ندارند و قضات هم ترجیح میدهند و کلاء جوان را که گرفتاری و اشتغال زیادی هنوز پیدا نکرده اند انتخاب نمایند منظور این نیست که از رویه محاکم یا نسبت بوکلاء جوان اسائه ادب شود چه و کلاء جوان تکالیف خود را در محاکم بانهایت دقت و شهامت انجام میدهند و کلاء تسخیری مدافعات خوبی تهیه میکنند اما متهم هم حق دارد از همان وسائلی استفاده کند که اشخاص دارا میتوانند استفاده کنند و کلائی را انتخاب کند که اشخاص دارا برای خود انتخاب میکنند.

علاوه از موضوع قانون اساسی مسئله قابل توجه بارسنگینی است که بشانه اعضاء جماعت و کلاء دادگستری گذاشته میشود در تحقیقاتی که بوسیله مجلس نمایندگان بعمل آمده معلوم گردید در ایالت وایومینگ وکیل مدافعی بود که تجربه زیادی در امور جنائی داشت و از طرف دادگاه برای دفاع در یک امر جنائی که ده روز و سه شب محاکمه آن طول کشید معین گردید در آن محاکمه از طرف دولت ۱۱۴ شاهد معرفی شد و در اثر محاکمه مزبور وکیل مدافع ناچار تا شش هفته دفتر وکالت خود را تعطیل نمود و بالنتیجه کارش بورشکستگی منتهی گردید در صورتیکه وکیلی که خود دفاع از فقر میکند خود نباید تهدید بفقر شود این رویه خارج از انصاف نسبت بمتهمین و سختی و مشقتی که افراد جماعت و کلاء دادگستری متحمل میگردند دیگر قابل تحمل نیست.

چند سال قبل آقای اگوستس هند قاضی مشهود در کنفرانس قضائی کشورهای متحده آمریکای شمالی چنین اظهار داشت:

وکلاء را همیشه برای کار مجانی دعوت کردن غیر منصفانه است و بعد از مدتی کوشش در این راه بدون نتیجه خواهد ماند تقسیم کارها بین عد، زیادتری از وکلاء برای آنکه بار دیگران را سبکتر کند محول کردن دفاع از حقوق متهمین در مواردی بوکلائی خواهد بود که در امر جنائی تخصص ندارند هر چند که وکیل مبرز باشد در بعضی از این موارد دفاع فقط از لحاظ صورت انجام میگیرد.

چون کنگره تاکنون اقدامی نکرده جماعت وکلاء دادگستری در بعضی موارد سرویس های دفاعی در محاکم ایالتی و محلی تأسیس نموده اند مثلاً انجمن معاضدت قضائی نیویورک که با اعانه خصوصی مردم تشکیل شده برای اشخاصی که تحت تعقیب جنائی

هستند و کیل مدافعی تعیین میکنند ولی وجوهی که در اختیار یکصد و پنجاه سرویس دفاعی فوق میباشد بقدری کم است که نمیتوانند از عهده بار سنگین محاکمات بر آیند ( توضیح داده میشود که طبق گزارش معاضدت قضائی و سرویس دفاعی ۱۱۵ سرویس دفاعی تا ماه مارس ۱۹۶۳ در امریکا تشکیل شده که دوازده تایی آن تماماً با وجوه خصوصی است و تعداد زیادی هم مخلوط از وجوه خصوصی و عمومی است).

چون جمعیت توسعه می یابد و شغل و کالت ناچار تخصصی خواهد شد بیش از این نمیتوان انتظار داشت که کانون و کلاه کاری را انجام دهد که برعهده حکومت است. لایحه ای که برای تعیین حق الزحمه و کلاه تسخیری بکنگره تقدیم شده اکنون بیست سال است معطل مانده. کنگره قضائی در امریکا و کانون و کلاه از این لایحه حمایت نموده اند و از سال ۱۹۳۷ باین طرف همه دادستان های کل کشور توصیه نموده اند که بوکلاه مدافع اشخاص بی بضاعت باید حق الزحمه داده شود لویجی که از متهمین بی بضاعت از طرف دولت در مناطق پر جمعیت و یا بوسیله و کلاه مدافع در مقابل حق الزحمه دفاع شود سه بار از مجلس سنا گذشته ولی هنوز بمجلس نمایندگان برای ملاحظه فرستاده نشده و چون امسال رئیس جمهور در پیام خود اشتهار داشته که برای هر فردی حق استفاده از وکیل مدافع شایسته ای باید در قانون منظور گردد من خوش بین هستم که این کار به نتیجه مورد انتظار خواهد رسید.

در لایحه ای که عنوان آن قانون عدالت جنائی و محصول ماهها مطالعه بوسیله کمیسیون مخصوصی است که تحت ریاست پرفسور فرانسیس آگن استاد دانشکده حقوق میشیگان مشغول کار است موضوع تأمین و کلاه مدافع با حق الزحمه برای متهمین علاوه از سرویس های دفاعی پیش بینی شده ولی طرق اجرای قانون بخود حوزه های قضائی فدرال واگذار شده که طبق احتیاجات و شرایط مخصوص خود عمل کنند و میتوانند بین این طرق مختلف هر کدام را که بخواهند اختیار نمایند:

- ۱ - وکیل مدافع تعیین کنند با پرداخت پانزده دلار در هر ساعت راجع به هر پرونده
- ۲ - یک مؤسسه عمومی جهت دفاع از متهمین بوجود بیاورند.
- ۳ - از وکلاء مربوط بکانون و کلاه با دادن حق الزحمه مثل موارد خصوصی انتخاب کنند.

مقاله سناتور مزبور مفصل تر از آن است که بنظر خوانندگان رسیده و مجله گنجایش درج تمام آنرا ندارد. مقصود از ترجمه و درج قسمتی از مقاله فوق آن بود که مسئله معاضدت قضائی و وکالت تسخیری در کشورهای که کار و درآمدها زیادتر است مورد توجه قرار گرفته و اقتضاء دارد در کشور ما هم مورد توجه قرار گیرد زیرا وضع فعلی مطابق با شرایط و مقتضای زمان نیست و این رویه مخصوصاً از نظر جوانان باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد زیرا با نداشتن کار و درآمد کافی بیشتر اوقات خود را باید صرف کار مجانی کنند و از تأمین معیشت خود و فراهم نمودن وسیله کار و زندگی خود بازمانند.

بطور خلاصه برای اصلاح وضع موجود میتوان پیشنهادهائی ذیل را نمود :

- ۱ - محدود کردن ارجاعات تسخیری در سال بسه فقره .
  - ۲ - حذف کردن وکالت تسخیری در محاکم جنحه
  - ۳ - رسیدگی به تقاضای اشخاص از نظر قدرت مالی آنان در کمیسیون خاصی و تقاضا کنندگان را در حدود قدرت ملزم بتأدیه حق الوکاله نمودن .
  - ۴ - در امور جنائی تشخیص لزوم تعیین وکیل مدافع بنظر دادگاه ها باشد نه باختیار متهم .
  - ۵ - رد تقاضاهای اشخاصی که ارتکاب جرم را پیشه خود قرار میدهند از قبیل قاچاقچیان .
  - ۶ - تخصیص مبالغی در بودجه دولت برای حق الزحمه و کلاه مدافع متهمین بی بضاعت .
- امیدوارم این پیشنهادات مورد توجه و اقدام قرار گیرد .

